



کاربرد

نجات د کمه های شل و ول

مرجان دهقان | روز نامه نگار



صدای د کمه‌های شل و افتاده لباس‌تان را می‌شنوید؟ خب عجیب نیست. خیلی از گوش‌ها موقع کار، شنوایی‌شان را از دست می‌دهند یا بهتر بگوییم، خودشان را به نشنیدن می‌زنند. اگر بی‌خیال نشنیدن بشوید، لباس‌های بی‌دکمه و نخ‌وسوزن راحت پیدا می‌شوند. برای دوختن یک دکمه، حدود ۵۰ سانتی‌متر نخ لازم دارید. آن را با قیچی از قرقره ببرید و سرش را از داخل سوراخ سوزن رد کنید. حالا دو طرف نخ را به هم برسانید و انتهایش را گره بزنید. برای گره زدن، انتهای نخ را دور انگشت اشاره‌تان حلقه و ته آن را از داخل حلقه رد کنید. حالا نخ را بکشید تا محکم شود و گره بخورد. اگر دکمه لباس‌تان شل شده است، تقریباً محل دوخت آن مشخص است. برای پیدا کردن جای درست دکمه افتاده، دکمه‌های لباس را ببندید و جای دکمه افتاده را علامت بزنید. حالا دکمه را سر جایش نگه دارید و سوزن را از سوراخ آن رد کنید. سوزن را هر بار باید از زیر پارچه وارد و به صورت موازی یا ضربدر از سوراخ دیگر دکمه خارج کنید. شکل کوک‌ها به نحوه دوخت بقیه دکمه‌های لباس بستگی دارد. هر جفت سوراخ را چهار یا پنج کوک بزنید تا دکمه کاملاً سر جایش محکم شود. وقتی همه سوراخ‌های دکمه دوخته شد، سوزن را از زیر دوخت‌های پشت دکمه رد کنید و آن را از داخل حلقه ایجادشده نخ، بیرون بیاورید. این کار را چندبار تکرار کنید تا از باز یا شل شدن دوخت‌ها جلوگیری کنید. در انتها، باقی‌مانده نخ را با قیچی از لباس جدا کنید.

پرونده‌های مجهول

صدایی که وحشت به جان کانادایی‌ها انداخت

صداهای ناشناس از منبعی نامشخص، ساکنان شهری در کانادا را کلافه کرده است

فاطمه قاسمی | مترجم



در بخش‌های مختلفی از جهان مردم صداهایی از زیرزمین، اقیانوس و دریاها شنیده‌اند که هیچ‌وقت منشأ آن‌ها را پیدا نکرده‌اند. گاهی اوقات این صداها به قدری وحشت‌انگیز و گیج‌کننده هستند که مردم ناچار می‌شوند محل زندگی خود را ترک کنند و دولت‌ها، ارتش و دانشمندان از سراسر جهان برای تحقیق روی این پدیده‌ها دست به کار می‌شوند و اغلب به جواب قطعی نمی‌رسند. ساکنان شهر «وینزور» در کانادا از ۱۰ سال پیش تا به حال از صداهای مداوم و عجیب‌نشئت گرفته از منبعی ناشناخته حرف می‌زنند که زندگی آن‌ها را به شدت مختل کرده است.

یک‌وزوز تا تمام در شهر

شهر «وینزور»، ۲۲ هزار نفر جمعیت دارد و از سال ۲۰۱۰ مردمش از صداهای عجیبی شاکی‌اند که از هر نقطه شهر به گوش می‌رسد. صداهایی شبیه موتور یک کامیون، نوبز یک بلندگو یا رعدو برقی از دور که گاهی شدید و گاهی آهسته است. حتی پیش آمده که چند روزی خبری از صدانبوده‌اما دوباره سروکله‌اش پیدا شده است. اصلاً قابل پیش‌بینی نیست که صداها کی شروع می‌شوند، چقدر طول می‌کشند و چه شدتی دارند و همین ویژگی‌ها، آن‌ها را غیرقابل تحمل کرده است. همچنین سلامتی و کیفیت زندگی مردم را به خطر انداخته است و مردم شهر هنوز به آن عادت نکرده‌اند. مردم تلاش زیادی برای کشف یا رفع این صدا کرده‌اند اما نتنها به نتیجه‌ای نرسیده بلکه دچار ناراحتی‌هایی مثل سردرد، بی‌خوابی، بی‌قراری و افسردگی هم شده‌اند. به گفته پزشکان این صداها چون فرکانس پایینی دارند، آسیب‌های طولانی مدت برای گوش ایجاد نمی‌کنند اما برخی ساکنان با این حرف‌ها قانع نشده و بار و بندیل‌شان را جمع‌واز شهر مهاجرت کرده‌اند. تصور کنید چه برای کار از خانه بزنید بیرون و چه برای تفریح در طبیعت، این صداها ی آزار دهنده همیشه در گوش‌تان باشد. عجیب این که حتی حیوانات هم از این صداها آسیب دیده‌اند.

حدس‌های فراوان و سوالی که هنوز بی‌جواب است

افراذیادی‌روی این صداها تحقیق کرده‌اند از جمله شخصی به‌نام «مایک پرووست» که چهار هزار صفحه از مشاهدات روزانه‌اش در باره مدت، شدت و ویژگی‌های این صداها در

باتا تازار

آیا پشه‌ها طعمه‌های خود را انتخاب می‌کنند؟

مهسا کسنوی | روز نامه نگار



شاید برای‌تان پیش آمده باشد که در یک جمع دوستانه نشسته‌اید، پشه‌ها حمله می‌کنند و بعضی‌ها رانیش می‌زنند و بعضی‌ها رانه! چرا؟ آیا پشه‌ها برای نیش زدن معیار خاصی دارند؟ شاید باورتان نشود ولی بله. آن‌ها بی‌گدار به آب نمی‌زنند و عملیات سوراخ‌سوراخ کردن مارا با برنامهریزی دقیق پیش می‌برند اما این موجودات کوچک بر چه اساسی طعمه خود را انتخاب می‌کنند؟ باید به شما بگویم این پشه‌های ماده هستند که برای عمل تخم‌گذاری به خون نیاز دارند و پشه‌های نر اصلاً مارانیش نمی‌زنند. فرایند انتخاب ماتوسط پشه‌های ماده بر اساس یک سری



دیدنی

کلک‌های سینما

فیلم	واقعیت	فیلم	واقعیت
	وقتی کسی تیر می‌خورد می‌افتد روی زمین		قلب از کار افتاده با دستگاه شوک دوباره می‌تپد
	اگر تیر به اندام حیاتی برخورد نکند ده باشد، فرد می‌تواند چند متر بدود		وقتی قلب از تپش می‌ایستد، از دستگاه شوک کاری بر نمی‌آید
	کلر و فرم فوراً افراد را برای چند ساعت بی‌هوش می‌کند		کلر و فرم بیشتر از پنج دقیقه زمان لازم دارد تا تأثیر بگذارد آن هم کوتاه مدت

منبع: brightside

کاف

آخرین باری که غافلگیر شدی؟

خودم: تولد پنج سالگی پسر داریم بود. مامانم گفت شمع‌ها رو روشن کنین، یه دور هم پسر من فوت کنه.

رفقا سلام!
دیدین بعضی‌ها تمام مدت ماسک رو صورت‌شونه و موقع حرف زدن، درش میارن؟ عه! این چه کاریه آخه؟ دقیقاً همون لحظه باید ماسک داشته باشی که ویروس رو به کسی منتقل نکنی. من که مریض نیستم» هم نداریم؛ همه ما ممکنه ناقل بی‌علامت باشیم. خوشحالم که رفقای ما جزو این «بعضی‌ها» نیستن و شش‌دانگ حواس‌شون به مسائل بهداشتی هست.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۲
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۴۰۰

خودت بساز

کتاب‌هایی که دیگر کج نمی‌شوند

مهسا فارسی | روز نامه نگار



همان‌طور که می‌دانید امروز آغاز هفته کتاب و کتاب‌خوانی است و برای شمایی که قفسه کتابتان را خیلی دوست دارید، ایده جذابی دارم. «bookends» یا «نگهدارنده کتاب» ایده‌ای است که این روزها خیلی به چشم می‌خورد و به‌ویژه مناسب قفسه‌های باز است؛ قفسه‌هایی که دیوارهای برای تکیه دادن کتاب‌ها ندارند. کافی است خلایقیت به خرج دهید و چیزهایی را به‌عنوان «نگهدارنده کتاب» برای قفسه کتاب‌های‌تان جفت‌و جور کنید. من چند تا ایده برای نمونه به شما پیشنهاد می‌کنم.



می‌توانید از سنگ‌های بزرگ و زیبا به‌عنوان نگه‌دارنده استفاده کنید و روی‌شان را با گواش یا ماژیک‌های رنگی، طراحی و نقاشی کنید.



مانند تصویر می‌توانید از تکه‌های آجر استفاده کنید. به‌زیبایی کادوپیچ‌شان کنید و حتی به‌عنوان تزئین، مجسمه پلاستیکی زمان کودکی‌تان را رویش بچسبانید و با اسپری آن را یک‌دست رنگ بزنید و نوستالژیکش کنید.



می‌توانید چیزهایی مانند شمع‌های قطور دکوراتیو، گلدانی از گیاه‌های مینیاتوری یا کاکتوس‌ها که با سنگریزه سنگین شده باشند و خلاصه هر چیزی که وزن قابل‌توجه و مناسب این‌کار را داشته باشد، به‌عنوان نگه‌دارنده کتاب به قفسه کتاب‌های‌تان اضافه و بیشتر از قبل دوست‌داشتنی‌اش کنید.

آثار شما

مراقب امید، مهم‌ترین سرمایه‌مان باشیم

عارفه کیهانی یزدی | ۱۷ ساله



خیلی وقت است که همه چیز تغییر کرده. پرن‌نگ‌ترین بخش زندگی برای من و رفقایم در این سن و سال تحصیل کردن و درس خواندن محسوب می‌شد که آن هم این روزها حسابی فرق کرده است اما سبک زندگی جوامع در هر دوره‌ای متفاوت نبوده و نیست؟ گرچه پاسخ به این سوال واضح است اما کمی پذیرش حقیقت می‌طلبد. سبک زندگی فعلی ما با دوران قبل و بعدی متفاوت است اما دیگر جزئی از ما به حساب می‌آید. ما دوره داریم یا شرایط موجود را بپذیریم و با آن کنار بیاییم یا تا زمانی نامعلوم که ممکن است تفاوتی ایجاد شود، غر بزنیم و مقاومت کنیم. به نظر من این راه دوم نتیجه‌ای جز عقب ماندن از زندگی عزیزمان در پی ندارد. شاید بهتر باشد برای کم کردن روی سختی‌ها فکر و راه‌حل‌های کاربردی و همه‌جانبه اختراع کنیم؛ مثلاً به جای فکر کردن تمام‌وقت به محدودیت‌ها، فرصت‌ها را بشماریم و آن قدر به شمردن ادامه بدهیم که از محدودیت‌ها جلو بزنند یا به جای دست روی دست گذاشتن، کاری برای خودمان دست‌وپا کنیم. آیا اطراف شما هم افرادی بوده‌اند که با تغییر سبک زندگی‌شان، شغل یا کسب‌وکاری تازه راه‌انداخته‌اند؟ اگر پاسخ‌تان به این سوال منفی است، شاید بهتر باشد استفاده در دست‌تری از فضای مجازی داشته باشید تا با این افراد آشنا شوید. پس از همین امروز وقتی مار پلید و سمی ناامیدی سراغ‌تان آمد، او را با خنجر فرصت‌های بی‌شمارتان نابود کنید. اجازه ندهید به شما حمله کند و زمان را که مهم‌ترین سرمایه وجودی‌تان است، با ناامیدی و عقب‌نگه‌داشتن شما از جریان لذت‌بخش زندگی از بین ببرد.